



رهائی

سال سوم، شماره ی ۱۰۹
پنجشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۶۰

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

اتحاد عمل چپ،

گامی مثبت و ضروری

برای تبدیل شدن به بدیل واقعی اجتماعی



منتشر شده است. چریکهای فدائی (اقلیت)،
راه کارگر و جناح چپ اکثریت پلاتفرم پیشنهادی خود
را تحت عنوان " نامه ی سرگشاده به سازمان مجاهدین
خلق ایران " منتشر ساخته و کومه له در سمپه ی ۳
نشریه ی تئوریک پیشرو تحت عنوان " وضعیت سیاسی
کنونی و ضرورت تدارک قیام " بعد از مقدمه ای متوسط
موادی را بعنوان پلاتفرم پیشنهادی بچاپ رسانده
است. پس از گذشت سه سال از قیام بهمن ۲۵۷ به
سال پراگندگی، تشتت و سردرگمی بنظر میرسد که
بقیه در صفحه ی ۲

اخیرا از جانب برخی از سازمانهای چپ از جمله:
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) به همراه
جناح چپ اکثریت و راه کارگر مشترکا و سازمان انقلابی
زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) پلاتفرمهایی به
عنوان زمینه ی اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دموکرات

راه حل ایران

برای مسأله افغانستان:

صدور انقلاب اسلامی " طراز نوین "

در راهی شماره ی ۱۰۸ مقالهای پیرامین مسائلات
ایران و نیروهای جهانی منتشر کردیم و طی آن اظهار
داشتیم که بنا بر ماهیت رژیم و شرایط ویژه ، در حال
حاضر هم نیروی و هم امریکا به رژیم ایران بعنوان
انتخاب دوم خود نگاه میکنند . این نیروها هر یک
در همین حال که از بوجود آمدن و رشد انتخاب
بهتری برای خود استقبال میکنند همبدا تا آنزمان
از رژیم کنونی حمایت کرده و یا حداقل سعی در بر-
بقیه در صفحه ی ۱

در صفحات دیگر :

- * اصلاحات ارضی اسلامی
- * ایران و مطبوعات جهان
- * اطلاعیه
- * و

نکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

اتحاد عمل ...

جیب ایران بالاخره به این واقعیت پی برده است که در شرایط بحرانی کنونی، در شرایطی که همگی بخشهای ایزیسون بغیر از جیب خود را برای کسب قدرت آماده کرده و صفی آخراتدارک میکنند راهی جز اتحاد بین خود برای مقابله با ارتجاع و مرزندی با نیروهای راست و همچنین حرکت در جهت تبدیل شدن به یک نیروی واقعی اجتماعی ندارد. هر برنامه ای برای آینده، اتخاذ هر سیاست و تاکتیکی باید از مسیر اتحاد عمل نیروهای جیب بگذرد، زیرا در غیر اینصورت جز بیخودن براهه های بیموده نماند. آرمانی برای جیب نداشته و محکوم به شکست است. تجربه ی روزمره ی رخدادهای ماه های اخیر به نکتۀ نیروهای جیب نشان داده اند که هیچ یک از جنبه های قابل تأثیرگذاری بر روند چشمگیری نخواهند بود. از این رو به اعتقاد ما گسهای برداشته شده در این جهت امسوی بسیار مثبت است. یک گام به پیش است و باید خود استقبال ترار گیرد.

طبیعی است که امروز، در شرایطی که اولین گامهای عملی برای شکل دادن به اتحاد عمل بین جیب برداشته میشود نباید انتظار داشت که بشوآن یک شبه ره صدساله را بیورد. نباید منتظر بود که مجموعه جیب، فتنهای متفاوت آن، بدون سپری کردن درونی برای نزدیکی بیشتر با یکدیگر، ناگهان همه باهم بر اساس برنامه ای که مورد توافق همه باشد، متحد شده و ستاد نیرومندی را برای سازماندهی و پیشبرد مبارزه طبقاتی بیجود آورند. طبیعی است که در ابتدا بخشهای متفاوت جیب، هر یک در ابتدا هر بخش در درون خود کوشش کند به جنبش اتحاد عملی دست یابد و حتی تا حدتها بخشهای مختلف به موازات یکدیگر بر حفظ بلوکهای ایجاد شده یا فشاری کنند. در این زمینه انتشار دو پلانفرم از طرف بخشهای مختلف جیب و به نتیجه نرسیدن مذاکرات مشترک بین همین امر است. اینها همه

بخودی خود ضربه زننده و ضرر نیست. بشرط اینکه کوشش دسته جمعی نه برای حفظ و چاودانه کردن این بلوکها بلکه در جهت نزدیکی بیشتر آنها به یکدیگر باشد. تلاش در جهت ایجاد اتحاد عمل بین گنهی بخشهای جیب باشد.

علیرغم تمام این نکات پلانفرم ارائه شده از جانب رفقای اقلیت، جناح جیب اکثریت و راه کارگر یکت ایوان اساسی نیز دارد که اشاره به آن ضروری است.

ارائه پلانفرم در چهار جوب نامه ی سرگشاده به مجاهدین خلق، بعد از نزدیک به ۵ ماه که ائتلافی مجاهدین - بنی صدر میگردد، بعد از اعلام تاضع مجاهدین بنی بر پایبندی به میثاق " شورای ملی مقاومت " حاکی از توهم مفروض این رفقا نسبت به مجاهدین خلق است. رفقای اقلیت در سرقتالی ی در شماره ۱۳۲ کار از جمله می نویسند:

" بنابراین سازمان مجاهدین در جنگالیک تناقض فرار گرفته است. تناقضی که سرانجام باید بین لیبرالها با برنامه ی رفرمیستی و نیروهای انقلابی با برنامه ای انقلابی یکی را انتصاب کنند و... "

تنبیه به چنین توضیحی را در نشریه ی راه کارگر شماره ۹۶ در توضیح پیرامین " نامه ی سرگشاده... " نیز میتوان خواند. رفقا هنوز نمیخواهند بپذیرند که مجاهدین خلق انتخاب خود را حدتها بیشتر کرده اند. مجاهدین خلق نه ناآشنا با مواضع جیب بوده اند و نه بی خبر از مواضع بنی صدر. آنها آگاهانه روی را انتخاب کرده اند و برای این انتخاب نیز قطعا دلایلی دارند که در چهار جوب مواضع و بر نامه های آنها میگوید. مسعود رجوی بارها و بارها طی صحابه های خود با خبرنگاران خارجی به اهمیت ائتلافی با بنی صدر و امکاناتی که از اینس طریق برای مجاهدین ایجاد شده یا خواهد شد، اشاره کرده است. بنابراین اصرار بر جدا کردن مجاهدین از بنی صدر از جانب این رفقا، بعد از تمام مواضع گیریهای مجاهدین صرفا میتواند به معنای دلخوش

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار

داشتن به امری باشد که اگر نه غیر ممکن، لااقل فعلا دور از ذهن است. اما اگر قضیه به همینجا ختم میشد و این توهم نسبت به مجاهدین در تزهها و برنامه های این سه جریان تاثیر طعوس و قائل توجیسی بجا نمیکداشت، شاید حتی اشاره به آن نیز ضروری نبود. اشکال اساسی اینجاست که ظاهرا پلانفرمی برای ائتلاف نیروهای چپ تنظیم میشود ولی خطاب به مجاهدین منتشر میگردد و در نتیجه اجبا- را مواد و مقدمه های آن با چلات گنگ و دو پهلو به نحوی تنظیم میگردد که میرد قبول مجاهدین هم نتواند فرار گیرد. این رفتار هنوز هم نمیخواهند بپذیرند که اگر هم امکان جدا شدن از بنی صدر را برای مجاهدین تصور باشیم، این امر صرفا در زمانی بیشترین زمینه و امکان را خواهد داشت که آئینمان را بطور واقعی با يك انتخاب مواجه کند. جدا کردن مجاهدین از بنی صدر، سوق دادن آنان به يك متنی انقلابی، نه از طریق بنده و اندرز و تکرار نصایح، بلکه فقط و فقط از طریق عمل موثر انقلابی و تحمیل يك برنامه ای انقلابی ضرور است.

در پلانفرم ارائه شده از جانب این رفتار نکات اشکال دیگری نیز دیده میشود که ما بحث مفصل بر سر تک تک این موارد را به فرصت دیگری موکول میکنیم.

برخلاف پلانفرم رفتای اطمینان، جناح چپ اکثریت و راه کارگر، پلانفرم پیشنهادی رفتای کومه له هم در مقدمه های آن و هم در بند پلانفرم از انسجام بیشتری برخوردار بوده و با اینکه با نکات مختلفی در دیدگاه ارائه شده از جانب این رفتار در مقدمه های پلانفرم موافقت نداریم ولی معتقدیم در مجموع پلانفرم پیشنهادی کومه له میتواند گفتمان خوبی برای دست یافتن به اتحاد عمل بین نیروهای چپ باشد.

مسئله دیگری که برای جلوگیری از بروز توهم نسبت به روند ایجاد شده در جهت اتحاد عمل چپ باید در نظر داشت و به آن توجه کرد این است که به نظر سرمد گامهای جدیدی برداشته شده در جهت ایجاد اتحاد عمل چپ هنوز هم نه بر اساس درک ایدئولوژیک ضرورت این امر بلکه عمدتا بدلیل شرایطی است که از جانب ارتجاع به چپ تحمیل شده است. شناختی تجربی است و نه ایدئولوژیک. درک يك ضرورت مرحله ای است. حرکت برجسته جناحی

تجسم مطلق يك شياد

وبازسازی يك کابوس در ابعادی مخوف

آیت الله خمینی میگفت: علاوه بر اینکه زندگی مادی شطرا میخواب- هم مرفه کنیم... دلخوش نباشید که تنها مسکن میسازیم، آب و برق را برای طبقه میسازند بجای میسازیم، اتوبوس را برای طبقه میسازند مستطد بجای میسازیم، دلخوشی به این مقدار نباشید، معنویات شطرا روحیات شمسارا عظمت میدهیم. هم دنیا را آباد میکنیم و هم آخرت را! (کجهان، ۵۷/۱۲/۱۱)

آیت الله خمینی گفت: مگر این انقلاب برای این بود ماست که يك خانه ای به مردم بدهد؟ يك کسب و کاری برای مردم ایجاد کند؟ (انقلاب اسلامی، ۵۶/۳/۸)

خانه و آب و برق و اتوبوس بجای، سرش بسخورد، ببینیم که آرکانهای مسئول امور مسکن و روابط مالك و مستاجر در جمهوری اسلامی آیت الله خمینی دربارهی افزایش مداوم و سرسام آور اجاره بها، چه میکنند.

دقت بنیاد مسکن: "این دفتر هیچ مسئولیتی در کنترل اجاره بها ندارد" (اطلاعات، ۲۱ مهر ۶۰)

شعبه ۳۲ دادگاه صلح: "اگر مالك و مستاجر با یکی از آنها به این دادگاه مراجعه و شکایت کند، دادگاه بین آنها صلح میدهد و هیچ مسئولیتی در کنترل اجاره بها ندارد" (همانجا)

دفتر صدور اجازه معاملات مسکن: "این دفتر کاری به اجاره و اجاره خانه ندارد" (همانجا)

وزارت مسکن و شهرسازی: "کنترل اجاره بها با وزارت مسکن و شهرسازی نیست و این وزارت خانه هیچگونه مسئولیتی ندارد" (همانجا)